



شیخ محمد حسن نجفی

صاحب جواهر



پاسداران بزرگ اسلام

شیخ محمد حسن نجفی فقیہ بزرگ و شخصیت برجستہ‌ای کہ بہ نام کتابش (جواهر الکلام) شہرت یافت، صاحب بزرگترین دائرہ المعارف فقہ شیعہ است کہ هیچ فقیہی خود را از آن بی‌نیاز نمی‌داند.

محدث نوری در مستدرک بواسطہ اسناد خود از برخی بزرگان نقل می‌کند کہ اگر تاریخ نویسی بخواید حوادث و رویدادہای شگفت انگیز دوران صاحب جواهر را بہ رشتہ تحریر درآورد، مہمتر و عجیب تر و با عظمت تر از نگارش این کتاب (جواهر الکلام) نخواہد یافت و این بقدری روش است کہ نیازی بہ توضیح و تفسیر ندارد.

راستی کدام فلم و کدام بیان توان توصیف و ستایش ایسین چنین بزرگمردانی را دارد؟ کتاب جواهر - بہ گفتہ استاد شہید آیت اللہ مطہری - "ہر سطرش یک مطلب علمی است و مطالعہ یک صفحہ آن، وقت و دقت زیاد می‌خواہد، می‌توان حدس زد کہ تالیف این کتاب بیست ہزار صفحہای جقدر نیرو برده است؟ ولی ہیچوقت نمی‌توان پی بہ شخصیت نویسنده والایش برد.

استاد شہید در ستایش صاحب جواهر می‌افزاید: "ایسین کتاب مظهر نبوغ و ہمت و استقامت و عشق و ایمان یک انسان بہ کارخویشتن است. صاحب جواهر شاگرد کاشف الغطا و شاگرد سید جواد صاحب مفتاح الکرامہ است و خود در نجف حوزہ عظیمی داشته و شاگردان زیادی تربیت کردہ است. صاحب جواهر عرب است، در زمان خود مرجعیت عامہ یافت و در سال ۱۲۶۶ (کواویل جلوس ناصرالدین شاہ در ایران بود در گذشت

محدث نوری در مستدرک الوسائل می‌گوید:

"شیخ محمد حسن فرزند شیخ باقر نجفی صاحب کتاب جواهر الکلام، تربیت کننده دانشمندان و استاد فقیہان کہریاست شیعہ امامیہ در زمان خود بہ او منتهی شد. کتابی در احکام و مسائل حلال و حرام همانند کتاب جواهر در اسلام نوشته‌است"

ولادت صاحب جواهر

بزرگانی کہ خود منشا بزرگی و عظمت برای خانوادہ موطنشان بود مانند، تاریخ، نسبت بہ ولادت آنها کمتر چیزی نوشته است. صاحب جواهر نیز از جملہ شخصیتہائی است کہ تاریخ ولادتشان معلوم نیست، گرچہ وجود او تاریخ را افتخار بخشیدہ است.

در ہر صورت، مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی (رہ) ولادت وی را در حدود سال ۱۲۰۰ یا ۱۲۰۲ ہجری قمری می‌داند، ولی از آنجا کہ ایشان در درس استاد اکبر وحید بہبہانی شرکت جستہ (همانگونہ کہ مرحوم شیخ عباس قمی در فوائد الرضویہ نوشته است) و وحید بہبہانی در سال ۱۲۰۸ وفات کردہ است و ممکن نیست کسی درس ۸ سالگی ہر جقدر نبوغ ہم داشته باشد در محضر درس ایشان شرکت جوید و صاحب روضات نیز در سال ۱۲۶۲ ہجری، عمر ایشان را ۷۰ سال تخمین زدہ است، بنا براین احتمال می‌رود کہ ولادت ایشان حدود سال ۱۱۹۲ بوده است. شیخ باقر پدر صاحب جواهر از فضلا و دانشمندان معروف نجف بوده است.

آمدند ولی صاحب جواهر آنها را به منزل خود راه نداد و با آنان ملاقات نکرد تا اینکه عصر روز ۱۸ ذی حجه (عید غدیر) بود که به سخن حضرت امیرالمؤمنین مشرف شد و در آنجا برای بغدادیها سخنرانی کرد و علت راه ندادن آنها را بیان کرد که در اثر کوتاهی در حق شیخ محمد حسن آل یاسین بوده است و این دلیل است بر بزرگی روح و عظمت صاحب جواهر. آری! اینچنین اند بزرگان روزگار که شاگردان خود را - برای تحلیل از مقام علم - بر خود مقدم می‌دارند و از آنان تقدیر و ستایش می‌کنند.

برخی از شاگردان صاحب جواهر را که شهرت علمی و ریاست دینی داشته‌اند نام می‌بریم:

- ۱ - شیخ محمد حسن آل یاسین ۲ - میرزا حبیب الله رشتی
 - ۳ - شیخ جعفر شوشتری ۴ - سید حسن مدرس اصفهانی
 - ۵ - شیخ جعفر اعلم ۶ - شیخ عبدالحسین تهرانی
 - ۷ - شیخ راضی نجفی ۸ - سید حسین بحر العلوم
 - ۹ - ملا محمد فاضل ایروانی ۱۰ - شیخ عبدالرحیم نهاوندی
 - ۱۱ - شیخ عبدالله نعمه عاملی ۱۲ - سید محمد هندی
- یکی از خصوصیت‌های صاحب جواهر، دقت و دور اندیشی او بود. او در سیمای (شیخ انصاری) تنوع و تقوا و پارسائی می‌دید و او را لایق و شایسته مقام بزرگ رهبری می‌دانست، گرچه تسان روز "ملا مرتضی" نام داشت و گرچه کمتر به درس صاحب جواهر می‌آمد و اگر سری به مجلس درس استاد می‌زد، بیشتر برای تمین و تبرک بود تا برای درس خواندن.

در هر حال، صاحب جواهر او را - با اینکه ناشناخته و گمنام بود و کمتر به درس وی می‌رفت - سزاوار این مقام والا دید. لذا در آخرین روزهای حیات، و در حالی که شاگردان برجسته‌اش منتظر بودند که امر زعامت مسلمین را به کسی واگذار کند، "ملا مرتضی" را دعوت کرد، و در برابر چشمان حیرت زده فضلاء و فقهای زمان، او را به عنوان مرجع اعلای مسلمین معرفی کرد و زعامت را به او سپرد. پس از آن "ملا مرتضی" شد "شیخ مرتضی انصاری". البته شیخ مرتضی را پس از آنکه شناختند، نه تنها علمای آن زمان بلکه برای همیشه، فقها و فضلا در برابر آن درویش بیگران علم و فضیلت سر تعظیم فرود می‌آوردند و تا فرائد الاصول و مکاسب شیخ انصاری در بین مردم هست، از محضر درس آن بزرگمرد تاریخ استفاده می‌کنند و کسب فیض می‌نمایند.

صاحب جواهر نه تنها به درس و بحث علمی اشتغال داشت بلکه به تمام امور رهبری اقدام می‌کرد. خدمات عمرانی زیادی برای تأمین آسایش و راحتی مردم، در طول زندگی خود انجام داد که از جمله: اقدام به حفر کانالی بزرگ بود از نهر قیرات تا نجف برای تأمین آب آشامیدنی مردم، و هنگامی که به او اعتراض کردند که این کار، بودجه زیادی در بر دارد، پاسخ داد: اگر به اندازه‌ریگهائی که از این نهر بیرون می‌آید و به وزن آنها طلا

بپردازم، باز هم دریغ نخواهم ورزید.

و از آثار شیخ نیز ساختن صحن و حرم حضرت مسلم و بنای مناره مسجد کوفه و ساختمانی نزدیک مسجد سهله است که چون برای این مسجد اهمیت زیادی قائل بود و همواره شبهای چهارشنبه به آنجا می‌رفت و در آنجا بیتوته می‌کرد و هر بار برخی از شاگردان را با خود می‌برد، برای رفاه حال آنها و دیگر زائرین مسجد، این ساختمان را بنا نهاد.

کتاب جواهر الکلام

همانگونه که گفته شد، این کتاب دائرة المعارفی است بزرگ در فقه اهل بیت که در تمام ابواب فقه از طهارت تا دیات بحث کرده است و هر سطر آن - برای مبتدی - نیاز به استاد و معلم دارد تا آن را فرا بگیرد.

این کتاب نفیس پنج بار در ۶ جلد بزرگ با جاب سنگی در ایران چاپ شده و اخیراً چند بار در ایران و لبنان با جاب حروفی در ۴۳ جلد - هر جلدی بیش از ۴۰۰ صفحه - و در تعداد چندین هزار نسخه به چاپ رسیده است.

این کتاب ویژگیهای زیادی دارد از جمله:

۱ - اقوال و نظریات بزرگان فقه و استدلالهای علمی آنها را جمع کرده است.

۲ - مجتهدین و فضلا را از بسیاری کتابهای فقهی بی‌نیاز و مستغنی می‌کند.

۳ - مسائل فرعی و جزئی زیادی در آن دیده می‌شود که کمتر - در دیگر کتابها - از آنها یاد می‌شود.

این کتاب با آن همه عظمت، هنگامی که نویسنده‌اش انگیزه تالیفش را به یکی از شاگردانش شیخ محمد حسن آل یاسین می‌گوید، چنین می‌فرماید:

"فرزندم! بخدا قسم، من این کتاب را ننوشتم که مردم به آن رجوع کنند، من این را برای خودم نوشته بودم که هر وقت به "عذارات" می‌خواستم بروم، چون پول نداشتم که کتاب بخرم، سؤاها را در این کتاب یادداشت می‌کردم که هنگام نیاز به آن رجوع کنم".

صاحب تکمله، پس از نقل این خبر می‌گوید: همان حسن نیت و خلوص و پارسائی شیخ بود که موفق به تالیف چنین کتاب ارزنده‌ای شد.

سرانجام، پس از آن همه خدمت علمی و عملی به اسلام و مسلمین، شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) در روز چهارشنبه اول ماه شعبان هزار و دوست و شصت و شش جهان فانی را وداع گفته، به لقا خدای خود شتافت.